

نگاهی به گزارش سال 2009 کمیسیون آزادی جهانی مذهبی ایالات متحده

کمیسیون آزادی جهانی مذهبی ایالات متحده (USCIRF یا کمیسیون) که بر پایه قانون آزادی جهانی مذهبی IRFA در سال 1998 تشکیل شده، کمیسیونی مستقل و دربرگیرنده دو حزب اصلی حکومت آمریکاست که بر پایه تعاریف اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر سندهای جهانی، زیر پا گذاشته شدن حق آزادی مذهب و عقیده را در کشورهای دیگر بررسی می‌نماید و به رئیس جمهور، وزیر خارجه و کنگره، پیشنهادهای مستقل سیاسی می‌دهد.

جدای از وزارت خارجه ایالات متحده، این کمیسیون 10 عضو دارد. سه تن از اعضا از سوی رئیس جمهور و شش تن از سوی رهبری کنگره تعیین می‌شوند. سفیر سیار آزادی جهانی مذهبی، منصبی که بر پایه همان قانون IRFA ایجاد شده، به عنوان عضو بدون حق رای و شاغل کمیسیون فعالیت می‌کند.

اعضای کمیسیون در زمینه امور خارجه، حقوق بشر، آزادی مذهب، و حقوق بین‌الملل تجربه‌ها و تخصص گرانبهایی دارند. در دهه‌ای که از عمر این کمیسیون می‌گذرد اعضای آن عبارت بوده‌اند از چند اسقف کاتولیک، یک روحانی مسلمان، یک یهودی فعال حقوق بشر و یک خاخام، کشیشهای پروتستان، و کارشناسان حقوق، سیاست خارجی و رشته‌های دیگر با پیشینه‌های گوناگونی مانند مسیحی ارتدوکس، مورمون، هندو و بهائی. این کمیسیون به رهبری چنین کسانی توجه فراوانی را به سوی زیر پا گذاشته شدن آزادی مذهب در زمینه‌ها، کشورها و ادیان گوناگون جلب کرده است. برای نمونه، این کمیسیون بوداییان برمه، هندوهای بنگلادش، مسلمانان شیعه عربستان سعودی، یهودیان نژوئلا، احمدیهای پاکستان، مسلمانان اویغور چین، مسیحیان سودان و بهائیان ایران را نمایندگی کرده است.

این گزارش سالانه شرایط آزادی مذهب و عقیده را در کشورهای مورد نظر کمیسیون شرح می‌دهد و برای اطمینان از نقش هر چه بیشتر پیشبرد آزادی مذهب و عقیده در سیاست خارجی ایالات متحده، سیاستهایی را پیشنهاد می‌نماید. گزارش سالانه عبارت است از بخشهایی درباره: کشورهایی که بر پایه IRFA و به دلیل نقض گسترده آزادی مذهبی، کمیسیون پیشنهاد می‌نماید نامشان از سوی وزیر خارجه در میان "کشورهای به ویژه نگران کننده" (CPCs) گذاشته شود؛ کشورهایی که از سوی کمیسیون و به دلیل زیر پا گذاشتن آزادی مذهبی به اندازه‌ای کمتر از CPC در فهرست دیده‌بان گذاشته شده‌اند اما نیاز به توجه دارند؛ و کشورهای دیگری که کمیسیون بر آنها نظارت دقیقی دارد. گزارش کامل در www.uscirf.gov در دسترس می‌باشد.

گزارش سال 2009 از مه 2008 تا آوریل 2009 را پوشش می‌دهد.

IRFA به وزیر خارجه منصوب رئیس جمهور دستور می‌دهد کشورهایی که حکومت‌هایشان موارد "به ویژه گسترده" زیر پا گذاردن آزادی مذهبی را انجام داده یا تحمل کرده‌اند را "کشورهای به ویژه نگران کننده" یا CPC بنامند. IRFA موارد "به ویژه گسترده" زیر پا گذاردن آزادی مذهبی را اینگونه تعریف می‌نماید: مواردی که "سازمان یافته، پیوسته و چشمگیر" هستند از جمله کارهایی همچون شکنجه، بازداشت طولانی بدون اتهام، ناپدید شدن و "دیگر موارد زننده نقض حق زندگی، آزادی یا امنیت آدمها." پس از اینکه نام CPC بر کشوری گذاشته شود قانون از رئیس جمهور می‌خواهد با انجام کارهای نوشته شده در IRFA با نقض آزادی مقابله کند.

وزارت خارجه در ژانویه 2009 همان هشت کشوری که در نوامبر 2006، CPC نامیده بود را دوباره در این فهرست گذاشت: برمه، جمهوری خلق کره (کره شمالی)، اریتره، ایران، جمهوری خلق چین، عربستان سعودی و ازبکستان. وزارت خارجه برای "پیشبرد هرچه بیشتر هدف قانون {آزادی جهانی مذهب}"، پیش از انجام هر اقدامی علیه ازبکستان، یک مهلت 180 روزه و درباره عربستان سعودی، مهلتی نامحدود در نظر گرفت. بر پایه این مهلتها ایالات متحده هیچ پاسخ سیاسی به موارد به ویژه گسترده نقض آزادی مذهبی در این دو کشور نمی‌دهد.

در گزارش این دوره، کمیسیون پیشنهاد می‌نماید که وزارت خارجه، نام 13 کشور زیر را در فهرست CPCs بگذارد: برمه، جمهوری خلق کره (کره شمالی)، اریتره، ایران، عراق، نیجریه¹، پاکستان²، جمهوری خلق چین، عربستان سعودی، سودان، ترکمنستان، ازبکستان و ویتنام.

کمیسیون همچنین نام کشورهای که به دلیل انجام یا تحمل نقض جدی آزادی مذهبی از سوی دولتهایشان، به نظارت جدی نیاز دارند اما از آستانه CPC پایینتر هستند را در فهرست دیده‌بان می‌گذارد. همچنین این کشورها به توجه دقیق و در مواردی، اقدامهای سیاسی هدفمند از سوی وزارت خارجه و سازمانهای چندجانبه نیاز دارند. فهرست دیده‌بان کمیسیون در گزارش این دوره: افغانستان، بلاروس، کوبا، مصر، اندونزی، لائوس، روسیه، سومالی، تاجیکستان، ترکیه و ونزوئلا را در برمی‌گیرد.

موارد نگرانی کمیسیون ایران

حکومت ایران همچنان آزادی مذهبی را به گونه‌ای سازمان یافته، پیوسته و چشمگیر زیر پا می‌گذارد از جمله از طریق بازداشت طولانی، شکنجه و اعدامهایی عمدتاً یا صرفاً بر پایه مذهب فرد متهم. ایران یک جمهوری دین سالار بر پایه قانون اساسی است که ذاتاً به دلیل مذهب و عقیده علیه شهروندان خود تبعیض قائل می‌گردد. کارنامه ضعیف حکومت ایران در زمینه آزادی مذهبی، بدتر شده است به ویژه در زمینه اقلیتهای مذهبی و به طور خاص بهائیان، مسلمانان درویش و مسیحیان انجیلی در زمینه‌هایی مانند تشدید یورشهای فیزیکی، آزار، دستگیری، بازداشتها، و زندان. در سپتامبر 2008، مجلس ایران گامهای تازه‌ای به سوی تصویب اصلاحیه قانون کیفری برداشت که کیفرهای جدی همچون اعدام را برای کسانی که از اسلام به آیین دیگری بگروند تجویز می‌نماید. افزایش یهودستیزی و تکرار تهدیدها و فعالیتهای مقامهای بلندپایه حکومت در راستای انکار کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم، بر هراس جامعه یهودی ایران افزوده است. از هنگام انقلاب سال 1357 ایران، شمار چشمگیری از اقلیتهای مذهبی از ترس آزار از ایران گریخته‌اند. مسلمانان دگراندیش نیز همچنان آزار می‌بینند. وزارت خارجه آمریکا از سال 1999 نام ایران را در میان "کشورهای به ویژه نگران کننده" یا CPC گذاشته است. کمیسیون پیشنهاد می‌نماید که نام ایران باز هم در این فهرست قرار بگیرد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مذهب (شیعه) جعفری 12 امامی را مذهب رسمی کشور می‌داند و تصریح می‌نماید که همه قوانین و مقررات از جمله خود قانون اساسی باید بر پایه معیارهای اسلامی باشد. رهبر حکومت، آیت الله علی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران است و بر نیروهای مسلح، نیروهای امنیت داخلی و قوه قضائیه کنترل مستقیم دارد. رهبر از سوی مجلس خبرگان برگزیده می‌شود، گروهی دربردارنده 86 دانشمند اسلامی که با رای مردم از میان فهرستی که حکومت غربال کرده برگزیده می‌شوند. سازگاری همه قانونهای مصوب مجلس (کنگره) با اصول اسلام و قانون اساسی از سوی شورای نگهبان بررسی می‌گردد که نیمی از اعضایش را رهبر برمی‌گزیند. طبق قانون اساسی، شورای نگهبان از حق بررسی و رد صلاحیت نامزدهای همه سمتهای انتخابی، مانند مجلس خبرگان و 290 عضو مجلس شورا نیز بر پایه شماری از شرایط مبهم و خودسرانه از جمله باورهای مذهبی و عقیدتی نامزدها نیز برخوردار است. اختلافهای مجلس و شورای نگهبان در زمینه قانونگذاری به مجمع تشخیص مصلحت سپرده می‌شود که نهادی نظارتی و منصوب رهبر است. پنج کرسی مجلس، ویژه اقلیتهای شناخته شده مذهبی است: دو کرسی برای مسیحیان ارمنی، یک کرسی برای مسیحیان آشوری، و یهودیان و زردشتیان هر کدام یک کرسی.

در چند سال گذشته، دادگاه انقلاب، صدها دگراندیش و فعال مسلمان برجسته از میان اکثریت شیعه که خواهان اصلاحات سیاسی بوده‌اند را به اتهام تلاش برای براندازی نظام اسلامی ایران به زندانهای طولانی محکوم کرده است؛ بسیاری دیگر هم به اتهام توهین به مقدسات و تقد ماهیت حکومت اسلامی بازداشت و زندانی شده‌اند. بر پایه قانون مطبوعات و قانون کیفری کنونی، اصلاح طلبان و روزنامه نگاران مرتباً به اتهامهایی همچون "توهین به اسلام"، نقد جمهوری اسلامی و چاپ مطالب خلاف معیارهای اسلامی محاکمه می‌شوند. گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حق آزادی عقیده و بیان در پی سفری به ایران در سال 2004 به این نتیجه رسید که این اتهامهای وارد شده از سوی دادگاههای

¹ هنگام نگارش گزارش کمیسیون درباره عراق، سه عضو کمیسیون: کروماریه اید، لاند، و لئو با پیشنهاد گذاشتن نام این کشور در فهرست CPC مخالفت کردند و گفتند عراق باید در فهرست دیده‌بان بماند.

² کروماریه با گذاشتن نام نیجریه در فهرست CPC مخالفت کرد و گفت که این کشور باید در فهرست دیده‌بان کمیسیون بماند.

ایران "هیچ مبنای روشنی ندارد" و دست "قاضیان برای تفسیر خودسرانه و من درآوردی آنها باز است". در مارس 2009، وبلاگ نویس ایرانی امید میرصیافی در حال گذراندن محکومیت 30 ماهه صادره از یکی از شعبه‌های دادگاه انقلاب تهران به اتهام "تبلیغ علیه حکومت" و انتقاد از رهبران مذهبی در زندان جان باخت؛ مقامهای ایران ادعا می‌کنند مرگ او خودکشی بوده اما وکیل و خانواده وی خواستار بررسی شده‌اند.

شماری از روحانیان برجسته شیعه که با کارها و انگاره‌های مذهبی و یا سیاسی گوناگون حکومت ایران مخالفت کرده‌اند هدف سرکوب دولتی، بازداشت خانگی، دستگیری بدون اتهام، محاکمه بدون گذراندن روند دادرسی، شکنجه و گونه‌های دیگر بدرفتاری قرار گرفته‌اند. در اکتبر 2006، آیت الله محمد کاظمینی بروجردی، یک روحانی برجسته شیعه که خواهان جدایی دین از حکومت است به همراه شماری از پیروانش پس از درگیری‌هایی با پلیس ضدشورش دستگیر و زندانی شدند. در آغاز، او و 17 تن از پیروانش به مرگ محکوم شدند اما پس از چندی، این حکم کاهش یافت. در اوت 2007، وی به یک سال زندان در تهران و ده سال زندان در بخش دیگری از کشور محکوم گردید. همچنین گزارش می‌شود آیت الله بروجردی خلع لباس گردیده و خانه و دارایی‌اش مصادره شده است. به گزارش وزارت خارجه آمریکا، حامیان آیت الله بروجردی که گفته می‌شود بیمار است در نوامبر 2008 گزارش دادند که مقامهای زندان، "با وجود درخواستهایی برای آزادی او به دلایل پزشکی، وی را به سختی کتک زده و از زندان اوین به جای نامعلومی برده‌اند". مقامهای ایران در اکتبر 2008، نه تن از پیروان او را که نخست در سال 2006 دستگیر شده بودند دوباره بازداشت کردند؛ وضعیت آنان نامعلوم است.

اقلیت‌های مسلمان همچنان با سرکوب روبرو هستند. شماری از رهبران سنی ایران آزارها و محدودیت‌های گسترده‌ای را در زمینه آیینهای مذهبی‌شان گزارش کرده‌اند از جمله بازداشت و شکنجه روحانیان سنی، و نیز ممنوعیت کتابهای مذهب سنی و آموزه‌های سنی در مدرسه‌های عمومی حتی در جاهایی که اکثریت با ایشان است. رهبران مسلمانان درویش و سنی، پیوسته از نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، ارباب و آزار می‌بینند و تبعیض رسمی گسترده را گزارش می‌نمایند. جامعه سنی هنوز نتوانسته در تهران مسجد بسازد. همچنین ادعاهایی هست مبنی بر اینکه حکومت ایران در استخدام دولتی به ویژه در سمتهای مدیریتی بخشهای اجرایی و قضایی علیه جامعه سنی تبعیض می‌گذارد.

بازداشتها و آزار درویشها در سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است. در فوریه 2009، دستکم 40 درویش پس از اعتراض به ویران کردن پرستشگاهشان در اصفهان بازداشت شدند؛ و همگی چند روز پس از آن آزاد گردیدند. در ماه ژانویه، جمشید لک، یک درویش گنابادی از سلسله درویشهای نعمت الهی که یکی از بزرگترین سلسله‌های درویشهای کشور است 74 ضربه شلاق خورد زیرا پس از اینکه آشکارا یک مقام وزارت اطلاعات را به بدرفتاری متهم کرده بود در سال 2006 به اتهام "افترا" محکوم گردید. در پایان دسامبر 2008 پس از بستن یک پرستشگاه درویشها، مقامات دستکم شش تن از درویشهای گنابادی را در جزیره کیش بدون اتهام دستگیر و کتابها و رایانه‌هایشان را ضبط کردند؛ از وضعیت آنها خبری در دست نیست. در نوامبر 2008، امیرعلی محمد لیاف به اتهام "نشر اکاذیب" و بر پایه عضویت در سلسله درویشهای نعمت الهی گنابادی به پنج سال زندان، 74 ضربه شلاق و تبعید درون مرزی به شهر بابک در جنوب خاوری ایران محکوم گردید. در ماه اکتبر دستکم هفت درویش مسلمان در اصفهان و پنج تن دیگر در کرج به اتهام وابستگی به سلسله نعمت الهی گنابادی دستگیر شدند و هنوز در بازداشت به سر می‌برند. در نوامبر 2007، درگیریها میان نیروهای امنیتی و پیروان یک سلسله عرفانی درویشها در شهر بروجرد در باختر ایران به زخمی شدن دهها تن و بازداشت نزدیک به 180 تن از مسلمانان درویش انجامید. درگیریها پس از آن رخ داد که مقامات، ویران کردن یک خانقاه درویشها را با بولدوزر آغاز نمودند. شمار کسانی که هنوز در بازداشت به سر می‌برند و اینکه آیا اتهامی به بازداشت شدگان وارد شده یا نه روشن نیست. در سال گذشته، در چندین گزارش آمده بود که روحانیان شیعه و امام جمعه‌ها هم در خطبه‌ها و هم در سخنرانیهای عمومی، صوفی‌گری و کارهای درویشهای مسلمان را محکوم کرده‌اند. همچنین گزارشهایی بود مبنی بر اینکه حکومت، ممنوعیت کامل صوفی‌گری را در دست بررسی دارد.

قانون اساسی ایران رسماً مسیحیان، یهودیان و زردشتیان را به عنوان اقلیت‌های مذهبی حمایت شده‌ای می‌شناسد که می‌توانند آزادانه آیین خود را به جا بیاورند و در زمینه احوال شخصی خود استقلال دارند (مانند ازدواج، طلاق و ارث). گرچه برتری اسلام و قانونهای اسلامی بر حقوق و جایگاه غیرمسلمانان اثر بدی می‌گذارد. اعضای این گروه‌ها به ویژه در آموزش، خدمات و کارهای دولتی، و کار در نیروهای مسلح از تبعیض قانونی و تبعیضهای دیگر رنج می‌برند. غیرمسلمانها نمی‌توانند با مسلمانها درباره آیینشان گفتگو کنند یا آنها را به کیش خود فراخوانند؛ گروهی از ایشان در چاپ مطالب

آیینی‌شان به زبان فارسی نیز با محدودیت روبرو هستند. در سال 2004، مجمع تشخیص مصلحت، برابری دیه مردان مسلمان و غیرمسلمان را تصویب نمود. بهائیان، سابئیان ماندی و همه زنان همچنان از این اصلاحیه بی‌بهره‌اند. بر پایه قانون ایران، خون بهائیان مباح است یعنی کشتن بهائیان کیفر ندارد.

حکومت ایران از اوت 2005، فشار خود بر اقلیتهای غیرمسلمان را افزوده است. جریان پیوسته سخنان بدخواهانه و تحریک آمیز رهبران سیاسی و مذهبی و افزایش آزار، زندان و یورش فیزیکی علیه این گروهها بازگشت گونه‌ای از ستم را نشان می‌دهد که در نخستین سالهای پس از انقلاب ایران در دهه 1970 دیده شد. آیت الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، آشکارا به غیرمسلمانها یورش برده و آنان را "جانوران گناهکار" و "فاسد" نامیده است. در اکتبر 2008، بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل گزارشی درباره وضع حقوق بشر در ایران صادر کرد که جزئیات آزار اقلیتهای مذهبی به دست مقامات را دربرداشت از جمله: بازداشت‌های خودسرانه، زندانی کردن به دلایل نادرست، و یورشهای خشن به بهائیان و بازداشت‌های خودسرانه و آزار بدنی مسلمانان درویش و سنی و مسیحیان. در دسامبر 2008، مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌ای کارنامه ضعیف حکومت ایران در زمینه حقوق بشر از جمله ادامه آزارهای آن علیه اقلیتهای مذهبی و گسترش و افزایش شمار خشونت‌ها علیه بهائیان را محکوم نمود. در آغاز سال 2008، مجلس ایران بررسی قانون تازه‌ای را آغاز کرد که برای کسانی که از اسلام به آیین دیگری بگروند کیفرهای سختی مانند اعدام در نظر می‌گیرد. در سپتامبر 2008، کمیته‌ای در مجلس، اصلاحیه قانون درباره ارتداد را تصویب کرد که ممکن است در آینده نزدیک در صحن مجلس به تصویب برسد. هرچند حکومت ایران در گذشته بر پایه شرع اسلام، کیفر مرگ را درباره ارتداد اجرا کرده این کیفر تا کنون آشکارا در قانون نیامده بود. اگر قانون پیشنهادی تصویب گردد جان همه کسانی که از اسلام به آیینهای دیگر گرویده‌اند به ویژه بهائیان که اکنون هم حتی اگر چهار یا پنج نسل از گرویدنشان به بهائیت گذشته باشد مرتد به شمار می‌آیند بیش از پیش به خطر خواهد افتاد.

جامعه بهائی در ایران از گذشته‌های دور به طور ویژه با زیرپا گذاشته شدن آزادی مذهبی روبرو بوده است. بهائیان که شمارشان نزدیک به 300000 تن است از دید مقامهای ایران "مرتد" به شمار می‌آیند و ممکن است بر پایه ارتداد سرکوب شوند. حکومت ایران از سال 1357 بیش از 200 بهائی را اعدام کرده و بیش از 10000 تن از کارهای دولتی و دانشگاهی برکنار شده‌اند. بهائیان در ایران نمی‌توانند پرستشگاه، مدرسه، یا هر انجمن مذهبی مستقلی بر پا نمایند. همچنین بهائیان از شغل‌های دولتی و نظامی و دریافت مستمری از دولت و نیز حق به ارث بردن ملک محرومند و ازدواج و طلاقشان نیز به رسمیت شناخته نمی‌شود. گورستانها، جاهای مقدس و ساختمانهای بهائیان هر از گاهی ضبط یا هتک حرمت می‌شود و بسیاری از مکانهای مهم مذهبی آنان ویران شده است.

در چند سال گذشته، بهائیان در ایران به گونه روزافزونی با رفتارهای خشنی مانند شمار فزاینده دستگیریها و بازداشتها و یورشهای خشونت‌بار به خانه‌های شخصی و املاک خصوصی روبرو بوده‌اند. ملک بهائیان مصادره یا ویران گشته و دهها بهائی مورد آزار، بازجویی، بازداشت، زندان یا یورشهای بدنی قرار گرفته‌اند. در فوریه 2009 به یک گورستان بهائی در سمنان بی احترامی شد و در ماه ژانویه یک گورستان دیگر بهائیان در قائمشهر ویران گردید. در یزد و بیرون نجف آباد هم گورستانهای بهائی ویران شده‌اند. در چند سال گذشته، چند مقاله در روزنامه حکومتی *کیهان* که مدیرش را رهبر حکومت، آیت الله خامنه‌ای منصوب کرده به بدگویی و سیاه نمایی بهائیت و پیروان آن در ایران پرداخته است. مقامهای ایرانی همچنین درباره همه بهائیان ایران اطلاعات بسیاری گردآوری کرده و کارهای آنان را زیر نظر دارند. در گذشته، موجهای سرکوب بهائیان با دستورهای حکومت برای گردآوری چنین اطلاعاتی آغاز گردید و تازمترین دستورها در سال 2006، حس ناامنی را تازه کرده و هراس را در میان پیروان بهائیت افزایش داده است.

از آغاز سال 2005 نزدیک به 200 بهائی، خودسرانه بازداشت شده و هم اکنون بیش از 30 بهائی به دلیل مذهب و عقیده‌شان در زندان هستند. دهها تن از ایشان منتظر محاکمه‌اند و شماری دیگر به 90 روز تا چند سال زندان محکوم شده‌اند. همه این محکومان در فرایند فرجام خواهی احکام هستند. اتهامها معمولاً از "تشویش اذهان عمومی و مقامات" تا "تبلیغ علیه نظام" را دربرمی‌گیرد. در مارس و مه 2008، هفت رهبر بهائی - فریبا کمال آبادی، جمال الدین خانجانی، عقیف ناظمی، سعید رضایی، مهوش ثابت، بهروز توکلی و وحید تیزفهم - بازداشت و به زندان بدنام اوین در تهران برده شدند. همه آنان عضو یک گروه هماهنگی کشوری بهائیان هستند که برای حکومت ایران شناساست و پس از آن تاسیس گشت که حکومت ایران در سال 1983 همه کارهای رسمی بهائیان را ممنوع کرد. در فوریه 2009 به آنها اتهام جاسوسی، "توهین به مقدسات دینی" و "تبلیغ علیه جمهوری اسلامی" زده شد - اتهامهایی که می‌تواند به اعدام بیانجامد. آنها به

وکیلشان شیرین عبادی، برنده نوبل 2003 دسترسی نداشته‌اند. هرچند سخنان مقامهای ایرانی نشان می‌داد که محاکمه آنان نزدیک است هنوز هیچ محاکمه‌ای انجام نشده و تاریخ آن روشن نیست. در مارس و آوریل 2009، چندین بهائی در یزد، سمنان، ساری و شیراز دستگیر شدند که شماری از آنان هنوز در بازداشت به سر می‌برند. در ماه ژانویه، چهار بهائی پس از یورش ماموران وزارت اطلاعات به خانه‌هایشان در قائمشهر دستگیر شدند. همچنین در ماه ژانویه، دستکم شش بهائی از جمله زنی که در یک سازمان حقوق بشر در پیوند با عبادی کار می‌کرد در تهران به اتهام "توهین به مقدسات دینی" بازداشت گردیدند؛ پنج تن از آنان از جمله کارمند مرکز عبادی که در دسامبر 2008، به دست مقامات بسته شد در ماه مارس آزاد شدند. در دسامبر 2008 دستکم هشت بهائی از جمله دو تن که از کانادا به ایران آمده بودند در جزیره کیش بازداشت شدند؛ کسی از وضعیت ایشان آگاه نیست.

در گذشته به بهائیان ایران اجازه رفتن به دانشگاه داده نمی‌شد. در رخدادی مهم در سال 2006 از آنجا که در نامنویسی سال 2006-2007 از دانش آموزان خواسته نشده بود مذهبشان را بنویسند برای نخستین بار پس از چند دهه، 300 دانشجوی بهائی در چند دانشگاه و دانشکده ایران پذیرفته شدند. گرچه بیشترشان پس از آشکار شدن اینکه بهائی هستند اخراج شدند. هرچند بیش از 1000 دانشجوی ایرانی بهائی برای آزمون سراسری سال آموزشی 2007-2008 نامنویسی کردند تنها به 77 تن از ایشان اجازه نامنویسی در دانشگاه داده شد. بر پایه گزارشها، اندک بودن شمار آنان به این دلیل بود که بیش از 800 دانش‌آموز بهائی، ماهها پس از پایان آزمون از "نقص" پرونده خود آگاه شدند. گرچه حکومت ایران آشکارا می‌گوید بهائیان برای رفتن به دانشگاه آزادند گزارشهای سال گذشته نشان می‌دهد سیاست عملی جلوگیری از دستیابی بهائیان به آموزش عالی همچنان پابرجاست. از میان بهائیان اندکی که در دانشگاهها نامنویسی کرده‌اند چندین تن پس از آشکار گشتن باورهای مذهبی‌شان در سال گذشته اخراج شدند. همچنین در چند سال گذشته، دانش آموزان بهائی دبستانها و دبیرستانها به گونه فزاینده‌ای در معرض بدگویی و فشار برای گرویدن به اسلام قرار گرفته و در چند مورد به دلیل مذهبشان اخراج شده‌اند.

مسیحیان به ویژه انجیلیها و پروتستانهای دیگر ایران همچنان با آزار، دستگیری، مراقبت دقیق و زندان روبرو هستند؛ گزارش می‌شود بسیاری از آنان در چند سال گذشته از کشور گریخته‌اند. بر پایه گزارشها محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران خواستار توقف گسترش مسیحیت در ایران شده است. در چند سال گذشته، مقامهای ایرانی در چند مورد به کلیساها یورش برده، رهبران کلیسا و پرستش کنندگان را دستگیر کرده و اعضای کلیسا را آزار و تهدید کرده‌اند. به گفته سازمانهای پشتیبانی و حقوق بشر، سال گذشته دهها رهبر کلیساهای خانگی به دلیل شرکت در فعالیتهای مذهبی در خانه‌هایشان دستگیر و بازجویی شده‌اند. یک گروه گزارش داد در سال 2008، نزدیک به 73 مسیحی به دلیل آیین خود دستگیر شدند گرچه بیشترشان پس از بازداشت‌های کوتاه مدت آزاد گردیدند. به ویژه در پرونده‌های دربردارنده جرمهای مبتنی بر باور مذهبی، شیوه معمول مقامهای ایرانی این است که زندانیان را آزاد کنند اما اتهامهای آنان یا محکومیت‌هایشان را باقی بگذارند تا در هر زمان در آینده بتوانند ایشان را تهدید کنند.

در مارس 2009، دو زن، مرضیه اسماعیل آباد و مریم رستم پور پس از یورش ماموران به خانه‌شان و ضبط وسایل، به دلیل انجام آیینهای مسیحی دستگیر شدند. بر پایه گزارشها، مقامهای ایرانی ادعا کردند این دو زن در کارهایی "علیه حکومت" دست داشته‌اند هرچند این اتهامها ثابت نشده است. در هنگام نگارش این گزارش، آن دو در زندان اوین نگهداری می‌شوند. در ماه ژانویه، سه مسیحی نوآیین: جمال قالی شورانی، نادره جمالی و هامیک خاچیکیان به دلیل دست داشتن در فعالیت کلیسای زیرزمینی در تهران بازداشت شدند. هیچ اتهام رسمی به آنان زده نشد و همگی ظرف یک تا دو هفته آزاد شدند اما پرونده علیه قالی شورانی و جمالی هنوز باز است. در اوت 2008، پنج مسیحی نوآیین بازداشت شدند از جمله رامتین سودمند، پسر حسین سودمند، کشیش انجمنهای خدا که در سال 1990 اعدام گردید. همه آنها تا ماه اکتبر آزاد شدند اما سودمند هنوز منتظر محاکمه به اتهام "تبلیغ علیه جمهوری اسلامی" است. در ماه ژوئن زن و شوهری که به مسیحیت گرویده بودند بازداشت شدند و بر پایه گزارشها چهار روز کتک خوردند سپس با وثیقه آزاد شدند بدون اینکه رسماً متهم شوند. در مه 2008 بیش از دوازده تن که از اسلام به مسیحیت گرویده بودند دستگیر و در شهر جنوبی شیراز بازداشت شدند. پس از چند هفته همه به جز دو نفر آزاد شدند اما پس از آن به ایشان گفته شد که پرونده‌های حقوقی علیه آنان همچنان باز است. در ماه سپتامبر، حکومت ایران، دو نوآیین که هنوز در بازداشت بودند به نامهای محمود متین و آرش بصیرت را به ارتداد متهم نمود هر چند آنها در همان ماه پس از اینکه دادگاه حکم داد اتهام ارتداد، معتبر نیست آزاد شدند.

در چند سال گذشته، جامعه مذهبی سائین ماندین که شمارشان پنج تا ده هزار تن است با افزایش سرکوب و آزار مقامات روبرو بوده است. گزارشهایی بود درباره اینکه اعضای جامعه سائین ماندین با تبعیض اجتماعی و فشار برای گرویدن به اسلام روبرو گشته‌اند و غالباً از دسترسی ایشان به آموزش عالی جلوگیری می‌شود.

سیاستهای رسمی مشوق یهودستیزی در ایران رو به گسترش است گرچه اعضای جامعه یهودیان معمولاً به دلیل واقعی یا تصور "پیوند با اسرائیل" هدف حمله بوده‌اند. در سال گذشته، رئیس جمهور احمدی نژاد و دیگر رهبران بلندپایه سیاسی و روحانی در سخنرانیهای عمومی، رویداد کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم را انکار کرده و خواهان از میان رفتن دولت اسرائیل شده‌اند. در سال 2008، تبلیغات رسمی ضدیهود از جمله: سخنان رسمی، برنامه‌های رسانه‌ای، نشریات و کتابها فزونی یافت؛ کاریکاتورهای نشان دهنده تصویرهای اهریمنی و کلیشه‌ای از یهودیان و نمادهای یهودی نیز در سال گذشته به چاپ رسید. برای نمونه در مه 2008 با پشتیبانی حکومت نمایشگاهی به نام "افسانه دروغین" با هدف یادبود "سالگرد برپایی رژیم صهیونیستی" در قم گشایش یافت. به گفته وزارت خارجه آمریکا بیشتر مطالب این نمایشگاه، یهودیان را به شیوه‌ای ضدیهودی نشان می‌دهد. تبعیض رسمی حکومت علیه یهودیان همچنان فراگیر است. در سال گذشته، چندین برنامه پخش شده از تلویزیون حکومت، پیامهای ضدیهودی در برداشت، یک روزنامه برجسته برای انکار کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم، مسابقه کاریکاتور برگزار نمود، و حکومت ایران از یک همایش انکار آن کشتار پشتیبانی کرد. به گفته وزارت خارجه آمریکا با وجود محدودیتهای اندک بر سر راه آیینهای مذهبی یهود، در چند سال گذشته آموزش کودکان یهودی به گونه فزاینده‌ای دشوار گشته و از پخش متنهاى مذهبی یهود با قدرت جلوگیری می‌شود.

انحصار حکومت و فشار آن برای تبلیغ گفتمان رسمی اسلام، بر حقوق زنان ایران از جمله حق ایشان برای آزادی جابجایی، نشست و برخاست، اندیشه، تفکر و مذهب و نیز رهایی از سرکوب در زمینه‌های مذهبی و عقیدتی، اثر منفی گزارده است. در دستگاه دادگستری ایران جایگاه زنان با مردان برابر نیست؛ برای نمونه، شهادت یک مرد برابر است با شهادت دو زن. مفاد هر دو قانون کیفری و مدنی به ویژه بخشهای مربوط به قانون داری و خانواد به زیان زنان است. در چند سال گذشته، چندین فعال حقوق زنان از سوی مقامات دستگیر گردیده و شماری از آنان به دلیل دست داشتن در گردآوری امضا برای کمپین برابری با هدف پایان دادن به تبعیض علیه زنان در کاربرد قانون اسلامی در ایران هنوز در زندان به سر می‌برند. شماری از خواسته‌های این فعالان عبارت است از: (1) برابری ارزش شهادت زنان با مردان در دادگاه؛ (2) برابری حقوق ارث میان مردان و زنان؛ (3) پایان دادن به چندهمسری؛ (4) برابری دیه زنان با مردان. در مارس 2009، مقامهای ایرانی، 12 فعال حقوق زنان از جمله 10 عضو کمپین یک میلیون امضا برای برابری که به مناسبت سال نوی ایرانی به دیدار خانواده‌های زندانیان سیاسی رفته بودند را بازداشت کردند. ده تن از آنان پس از چندی آزاد شدند اما دو تن که در کمپین امضا دست داشتند به نامهای خدیجه مقدم و محبوبه کریمی هنوز بدون هیچ اتهامی در زندان اوین به سر می‌برند.

در مارس 2008، خانه آزادی (فریدم هاوس) پژوهشی درباره "تبعیض و سختگیری در کتابهای درسی ایران" منتشر کرد. این پژوهش نشان داد که کتابهای درسی چاپ شده در سال آموزشی 2006-2007 این کشور، در بردارنده درسهای دینی پایه‌های 1 تا 11، "تبعیض علیه زنان و اقلیتها، نگاه همراه با بدگمانی و گاه بیزاری به نامسلمانها، و پیشبرد جهانی دین‌سالار حکومت را به فرزندان کشور" می‌آموزد. گرچه پژوهش دریافت که این کتابها هیچ "دشمنی آشکاری" با اقلیتهای مذهبی شناخته شده در بردارند مطالبی سختگیرانه درباره بهائیت در آنها هست مانند اینکه بهائیت یک اقلیت "پنهانی" و "فرقه‌ای گمراه" است که ابزاری در دست حکومتهاى بیگانه می‌باشد.

کارکنان کمیسیون در سرتاسر سال گذشته با اعضای سازمانهای غیردولتی نماینده گروههای مذهبی گوناگون ایران، گروههای حقوق بشر و دیگر سیاستگذاران و کارشناسان ایران دیدار کردند. در مه 2008 و فوریه 2009، کمیسیون با انتشار بیانیه‌های عمومی از دستگیری و سپس اتهامهای هفت رهبر بهائی ابراز نگرانی کرد و با پافشاری از حکومت آمریکا و جامعه جهانی خواست که خواهان آزادی آنان شوند. در سپتامبر 2008، کمیسیون با فرستادن نامه‌ای به رهبران سازمانهای: مذاهب برای صلح، کمیته خدمات دوستان آمریکا، کمیته مرکزی فرقه منونیت، دفتر فرقه کویکر در سازمان ملل، و دفتر پیوند شورای جهانی کلیساها در سازمان ملل به دعوت ایشان از رئیس جمهور احمدی نژاد برای شرکت در "گفتگویی" درباره "اهمیت کمکهای مذهبی به صلح" اعتراض نمود. همچنین در ماه سپتامبر کمیسیون با صدور بیانیه‌ای درباره تغییرهای پیشنهادی قانون کیفری، مانند مجازات مرگ برای ارتداد ابراز نگرانی کرد. در مارس 2008 نینا شی از اعضای کمیسیون در نشست کارگروه ایران نمایندگان کنگره با نام "ارزیابی وضع حقوق بشر گروههای قومی و مذهبی در ایران"، آنان را از وضعیت آزادی مذهبی در ایران آگاه نمود. در فوریه 2008 کمیسیون نشست با عنوان "پیشبرد آزادی

مذهبی و حقوق بشر مربوط به آن در ایران: راهبردهایی برای اثربخشی سیاست ایالات متحده" را به ریاست یکی از اعضای کمیسیون به نام مایکل کرومارتیه در کنگره آمریکا برگزار نمود که در آن مقامهای سیاستگذار و کارشناسان ایران، سیاست کنونی ایالات متحده درباره ایران را بررسی و بدتر شدن وضع آزادی مذهبی در ایران و موارد دیگر زیرپا گذاشته شدن حقوق بشر در آنجا را برجسته کردند.

پیشنهادهایی برای سیاست ایالات متحده

I. پایان دادن به زیرپا گذاشته شدن آزادی مذهب و عقیده و پشتیبانی از حقوق بشر و مردمسالاری
کمیسیون در کنار پیشنهاد باقی ماندن نام ایران در فهرست CPC پیشنهاد می‌نماید که حکومت ایالات متحده باید:

- با قدرت و در بالاترین سطوح، آشکارا درباره بدتر شدن وضع آزادی اندیشه، تفکر، و مذهب و عقیده در ایران سخن بگوید و توجه همه را به نیاز جامعه جهانی به بازخواست از مقامات در پرونده‌های ویژه‌ای که در آنها نقض شدید حقوق بشر رخ داده است جلب کند مانند:

- -- رفتار بسیار بد با جامعه بهائی؛

- -- افزایش مشکلات پیش روی مسیحیان، مسلمانان درویش، و مسلمانان دگراندیش؛ و

- -- پشتیبانی حکومت از فعالیتهای ضدیهود و انکار کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم

- کار در چارچوب کنونی سیاست کلی آمریکا برای اطمینان از گنجاندن زیرپا گذاشته شدن آزادی مذهب و عقیده و حقوق بشر پیوسته با آن در گفتگوهای چندجانبه و دوجانبه با حکومت ایران، از جمله:

- -- اطمینان از رد شدن اصلحیه قانون کیفری که مجازات مرگ برای ارتداد را قانونی می‌کند؛

- -- دادن اجازه به بهائیان برای به جا آوردن آیینشان و لغو هر یک از قانونهایی که قتل بدون پیگرد بهائیان را مجاز می‌داند، و اجازه دسترسی کامل بهائیان به تحصیل در دانشگاههای عمومی بدون تبعیض؛

- -- آزادی هفت رهبر بهائی – فریبا کمال آبادی، جمال الدین خانجانی، عقیف نائمی، سعید رضایی، مهوش ثابت، بهروز توکلی و وحید تیزفهم – و بهائیان دیگری که به دلیل مذهب و عقیده‌شان در زندان هستند و نیز رفع اتهام از همه بهائینی که پرونده‌شان هنوز باز است؛

- -- آزادی همه مسیحیان از جمله مرضیه اسماعیل آباد و مریم رستم پور که به دلیل مذهب و باورهایشان در زندان هستند و رفع هر گونه اتهام از همه مسیحیان نوآیین، مانند جمال قالی شورانی، نادره جمالی، و رامتین سودمند؛

- -- آزادی آیت الله بروجردی و دیگر مسلمانان دگراندیش از جمله هر درویش مسلمانی که به دلیل مذهب یا باورهایشان در زندان است؛

- -- پایان دادن به همه پیامهای بیزاری و سختگیری به ویژه درباره یهودیان و بهائیان در رسانه‌های حکومتی و برکناری مدیر کیهان که از سوی حکومت منصوب شده است؛

- -- توقف پشتیبانی حکومت از فعالیتهای ضدیهود و نیز پاسداری نیرومند از آزادی بیان، رویارویی با سخنان ضدیهودی و دیگر فعالیتهای سازمان یافته ضدیهودی از سوی رئیس جمهور و دیگر مقامهای بلندپایه حکومت؛

- -- آزادی همه فعالان حقوق زنان از زندان، مانند خدیجه مقدم و محبوبه کریمی که از پایان دادن به تبعیض علیه زنان در به کارگیری قانون اسلام در ایران پشتیبانی کرده‌اند؛

- اطمینان از تخصیص اعتبار بودجه پیشبرد مردمسالاری و حقوق بشر در ایران به پشتیبانی از ابتکارهای موثر برای پیشبرد آزادی مذهب و عقیده و نیز راههای پیشبرد حکومت قانون و برنامه‌های مدافعان حقوق بشر که به ویژه به دنبال پاسداری از اقلیتهای مذهبی در ایران هستند؛
- فراهم ساختن پول کافی برای نهادهای سیاست عمومی ایالات متحده مانند صدای آمریکا و رادیو فردا و گسترش و پیشبرد برنامه‌های تازه با تمرکز صرف بر وضع حقوق بشر در ایران از جمله: آزادی اندیشه، تفکر و مذهب و عقیده؛

II. پیشبرد آزادی مذهب و عقیده و حقوق بشر پیوسته با آن در نشستهای چندجانبه

- ادامه پشتیبانی از قطعنامه سالانه مجمع عمومی سازمان ملل برای محکومیت نقض شدید حقوق بشر، دربرگیرنده آزادی مذهب و عقیده در ایران و فراخوان برای بازخواست از مقامهای مسئول موارد نقض شده؛
- فشار برای تصویب قطعنامه‌ای در شورای حقوق بشر سازمان ملل برای محکومیت نقض شدید حقوق بشر، از جمله آزادی مذهب و عقیده در ایران؛
- درخواست از شورای حقوق بشر سازمان ملل برای نظارت دقیق و تلاش برای پیروی ایران از پیشنهادهای نمایندگان ویژه سازمان ملل که تا کنون از ایران بازدید کرده‌اند به ویژه گزارشگر ویژه آزادی مذهب و عقیده (1995)، کارگروه بازداشت خودسرانه (2003)، و گزارشگر ویژه آزادی عقیده و بیان (2003)، و بازگرداندن جایگاه گزارشگر ویژه سازمان ملل به ایران که وظیفه‌اش بررسی و گزارش زیر پا گذاشته شدن حقوق بشر در ایران است؛ و
- تشویق شورای حقوق بشر سازمان ملل برای به کارگیری روشهایش به منظور ادامه نظارت بر شرایط آزادی مذهب و عقیده در ایران، مانند بازدیدهای پیوسته و گزارشی از سوی گزارشگر ویژه آزادی مذهب و عقیده، و دیگر کارگروهها و گزارشگران ویژه در زمینه‌های مربوطه که ایران برایشان دعوتنامه همیشگی صادر کرده است.